

## بررسی علل اجتماعی گرایش به بدحجابی و تاثیر آن بر امنیت اجتماعی بانوان شهرستان بندر عباس

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۱۲

چکیده

امروزه بدحجابی و جذابیت کاذب آن برای تعدادی از افراد همواره تهدیدی برای سلامت و امنیت جامعه است که در اثر بی توجهی می‌تواند زمینه‌ساز آسیبها و جرایم اجتماعی مختلف دیگری باشد با توجه به فطری بودن حجاب و توجه جوامع بشری به آن، در طول تاریخ قدرت های استعماری برای رسیدن به مطامع و مقاصد شوم خود با استفاده از ابزارهای مختلف فرهنگی (ماهواره، اینترنت و...) به ستیز با حجاب برخاسته اند این مقاله به بررسی علل اجتماعی گرایش به پدیده بدحجابی در بین بانوان شهرستان بندر عباس می پردازد. مبانی نظری این پژوهش ملهم از سه نظریه عمده جامعه شناسی کجروی؛ نظریه آنومی دورکیم، کنترل اجتماعی هیرشی و همنشینی افتراقی و بر مبنای آن مدل تحقیقی طراحی و هشت فرضیه ارائه گردیده و نوع روش تحقیق غیرآزمایشی از نوع مستقیم و بصورت پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه است. جامعه آماری این تحقیق متشکل از بانوان ۱۸ تا ۴۵ ساله شهر بندر عباس در سال ۱۳۹۳ می باشد. حجم نمونه جامعه آماری از طریق فرمول کوکران محاسبه و شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای است. سپس برابرحجم نمونه آماری تعداد ۲۷۴ نفر به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفته اند که پس از استخراج داده ها از طریق نرم افزار SPSS با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی اسپیرمن، ضریب تعین) مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین عوامل اجتماعی مستقلی مانند همنشینی با دوستان، ضعف باورهای دینی، سبک زندگی، رسانه ها، مدگرایی و وضعیت آب و هوایی و گرایش به بدحجابی رابطه معناداری وجود دارد. و در ادامه آن بدحجابی بر امنیت اجتماعی بانوان تاثیر گذار می باشد.

مفاهیم کلیدی: بدحجابی، عفاف، امنیت اجتماعی، گرایش

### مقدمه و طرح مسئله

مروری بر متون تاریخی نشان می دهد که اکثر قریب به اتفاق ملتها و آئین های جهان در بین زنانشان حجاب معمول و مرسوم بوده است. هرچند حجاب، در طول تاریخ فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و با اعمال نظر و سلیقه حاکمان

تشدید و یا تخفیف یافته است، ولی هیچگاه بطور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای پوشش مناسب نبوده و یا بصورت برهنه در اجتماع ظاهر می شوند یاد می کنند. حجاب به عنوان هویت اجتماعی انسان، بخشی از شخصیت فرد محسوب می شود و مانند سایر هنجارهای اجتماعی، از شکل و الگوی خاصی پیروی می کند که این الگو می بایست متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی جامعه باشد. اینکه مشاهده می شود یک مد لباس در جامعه رایج می شود که با فرهنگ و آموزه های دینی ما مغایرت دارد، تغییر در رفتار و ذائقه فکری و فرهنگی جوانان نسبت به موضوعات اخلاقی و اجتماعی جامعه را نشان می دهد که بسیار نگران کننده بوده و جای تأمل و بررسی بیشتری دارد. اکنون کم رنگ شدن حجاب در جامعه بصورت علنی و جدی پدیدار شده و متعاقب آن، گسترش جرایمی همچون مزاحمت، ارتباط نامشروع، تجاوز به عنف، خیانت زناشویی، رواج بی عفتی در جامعه، اختلافات خانوادگی و... مشهود و ملموس است که این موضوع خوشایند و شایسته جامعه ما نیست. حجاب، حفاظتی برای آسیب های اجتماعی و روانی است. دلایل عقلی و توصیه های دینی بسیاری، درباره فواید حجاب وجود دارد که امنیت اجتماعی، سلامت روانی و بهداشت جسمی و نیز استحکام بنیان خانواده از آن جمله است. رعایت حجاب، ضمن حفظ سلامت اخلاقی و شخصیتی زن، احتمالاً به وی نقش دفاعی در برابر آسیب های فردی و اجتماعی می دهد (معصومی، ۱۳۸۸). مسئله فحشاء و از جمله بدحجابی زنان، از پدیده های جدید اجتماعی نیست، بلکه از دیرباز این عنصر ضد اخلاقی در جامعه وجود داشته است ولی در سال های اخیر، به موازات تحولات اجتماعی و سرازیر شدن انواع محصولات فرهنگی بیگانه و تساهل و تسامح در عرصه فرهنگ، بدحجابی ابعاد تازه ای به خود گرفته است. لذا مسئله حجاب دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و دارای مولفه های مذهبی معنوی، منزلتی، شخصیتی و رفتاری است که می توان از زوایا، پارادایم ها و منظرهای مختلفی به آن نگریست (شارع پور، تقوی و محمدی، ۱۳۹۱) پیشگیری و جلوگیری از گسترش بدحجابی در استان هرمزگان و کلانشهری نظیر بندرعباس از عهده یک سازمان یا نهاد خارج است و عزم جمعی را در بین سازمان ها و نهاد های اجتماعی و فرهنگی و نیز مسئولیت پذیری عمومی شهروندان رami طلبد، هر یک از نهادهای اجتماعی همچون خانواده، مدرسه، نهاد دولت و... عهده دار مسئولیت و وظایف بخشی از کارکردهای یک جامعه هستند. فرآیند عملکرد این نهادها و نیز تعامل و همسویی آن ها، چگونگی حرکت فرهنگی یک جامعه را مشخص می کند. اگر هر یک از نهادهای اجتماعی، وظایف خویش را به خوبی و در راستای اهداف اسلامی انجام داده و گرایش دختران نوجوان را به حجاب و دیگر مسایل اسلامی تقویت کنند، بی حجابی و بدحجابی در جامعه پدیدار نخواهد شد. آسیب پذیری زمانی آغاز می شود که هر یک از نهادها یا وظایف خویش را انجام نداده و یا همسو

و هم‌راستا با اهداف کلی جامعه حرکت نکنند ،چنانچه شناخت مناسبی از علل گرایش بانوان استان به پدیده بدحجابی از طریق ابزار علمی پیدا نکنیم، هر روز شاهد آن خواهیم بود که این گرایش شکل صعودی به خود می‌گیرد.

### تعریف مفاهیم کلیدی

حجاب: در فرهنگ نفیس، در مورد معانی لغت حجاب چنین آمده است که حجاب به معنی پرده و حجب می‌باشد. شهید مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره این واژه چنین بیان می‌کند: کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب و بیشتر استعمالش به معنی پرده است.

عفاف: عفت به معنای مناعت و عقیف به معنای خودنگه‌دار و با مناعت به کار می‌رود. خداوند در سوره نحل آیه ۱۱۲ می‌فرماید (آنانکه امکان ازدواج برایشان فراهم نشده باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند) و در سوره نور آیه ۳۳ می‌فرماید ( و اگر زنان با حفظ پوشش اسلامی عفت بورزند برایشان بهتر است). عفاف مقدمه حجاب است و تا عفاف در جامعه نباشد حتی افراد با حجاب نیز بتدریج در تقییدات دینی ضعیف خواهند شد. در واقع یکی از دلایل بدحجابی، بی‌توجهی به مسئله عفاف است، عفاف روح پوشش و پوشش، کالبد عفاف است. عفاف، فلسفه حجاب و حجاب نیز تضمین‌کننده سلامت روح و روان انسان است

بدحجابی: با اطلاعات بالا معلوم شد که بدحجاب فقط کسی نیست که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی‌کند. ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند ولی در عین حال وضع ظاهرش، نوع رفتارش با مردان، نوع سخن گفتنش، نوع راه رفتنش، حتی نوع نگاهش به افراد و اطرافش و در یک کلام نوع رفتار ارتباطی او در اجتماع، به گونه ای باشد که زبان‌دار باشد یعنی با زبان بی‌زبانی توجه نا محرمان را به خود جلب نماید. منظور از حجاب، همان پوشش اسلامی بانوان است که شامل پوشانیدن تمامی بدن به جز گردی صورت و دست‌ها از مچ به پایین می‌شود. قانون‌گذار در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵، در بیان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی، بدحجابی را جرم سزاوار مجازات شمرده است. در این تبصره آمده است: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» در این پژوهش مراد از بدحجابی افرادی هستند که با پوشش‌های زننده و خلاف عرف و شرع و فرهنگ عمومی، باعث جریحه‌دار شدن عفت عمومی می‌شوند.

گرایش: به معنی یک نظام از تمایلات، عقاید و اعتقادات یک فرد نسبت به پدیده‌های محیط خود می‌باشد. (رفیع پور، ۱۳۷۳: ۵)

همنشینی با دوستان: به اعتقاد ساترلند کز رفتاری آموختنی است و ضمن واکنش متقابل با اشخاص دیگر در یک فرایند ارتباط آموخته می‌شود.

آشفتگی خانواده: منظور از این متغیر تضاد، اختلاف نظر، تنش و بحث و جدل بیش از حد بین اعضای خانواده که با کنشها

و اختلالات رفتاری نظیر غیر منطقی بودن، دعوا، کشمکش و تعارض بین اعضای خانواده

حجاب و امنیت:

امنیت یکی از طبیعی ترین و ضروری ترین نیازهای بشری است . به نظر مزلو، پدر معنوی جنبش انسان گرایی در روان شناسی، نیاز به امنیت از نیازهای زیر بنایی برای رشد و شکوفایی شخصیت انسان است که در صورت ارضاء نشدن، رشد شخصیت مختل می شود. بدون تردید حجاب و پوشش تاثیرات مثبتی بر روح و روان زن دارد و عامل آرامش و سکون انسان و دور ماندن او از عوامل پریشانی و در نهایت باعث رضایت وجدان است. زنان به دلیل ویژگی های شخصیتی و موقعیت اجتماعی، آسیب پذیری بیشتری دارند و طبعاً نیاز به امنیت در آنها بیشتر می باشد زیرا در بین جوامع بشری همیشه مردانی که به دلیل نداشتن تربیت صحیح انسانی به دنبال فرصتی هستند تا زنان را مورد سوء استفاده های جنسی قرار دهند، یا دست کم مردانی که زمینه های انحرافی در آنها دیده می شود *فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ*، یعنی بیمار دل هستند (احزاب/۳۲) وجود دارند که با دیدن کوچکترین صحنه برانگیزاننده جنسی عنان اختیار از کف داده و به زنان بی حرمتی روا می دارند. در این میان زنانی که در انظار عمومی بدن خود را به نمایش می گذارند و باعث تحریک مردان می شوند، ناگزیر باید منتظر آزار و اذیت این افراد لابلایی و فرصت طلب نیز باشند. این آزارها که گاهی به آدم ربایی و قتل می انجامد، به شدت زندگی زنان بد حجاب و نیز آرامش و سلامت روانی آنها را به خطر می اندازد (رجبی، ۱۳۸۶) قهراً به زن باید بگویند خود را در معرض نمایش قرار نده نه به مرد با اینکه دستور پوشیده بودن برای مرد مقرر نشده است عملاً مردان پوشیده تر از زنان از منزل بیرون می روند، زیرا تمایل مرد به نگاه کردن است نه به خود نمایی، و بر عکس تمایل زن بیشتر به خود نمایی است و نه به چشم چرانی. تمایل مرد به چشم چران، بیشتر زن را تحریک به خود نمایی می کند و تمایل به چشم چرانی کمتر در زنان وجود دارد و لهذا مردان کمتر تمایل به خود نمایی دارند و به همین جهت تهرج از مختصات زنان است. (مطهری، ۱۳۷۹) غریزه خودنمایی و خود آرایی مانند دیگر غرایز آدمی، نیازمند قانونمندی و کنترل است و باید از افراط و تفریط در آن پرهیز شود در دین اسلام برای این غریزه حد و حدود ویژه ای تعیین شده و همانطور که آزادی بی حد و حصر آن ممنوع است و برای کنترل آن حجاب تعریف شده و بی توجهی به آن نیز مذموم می باشد. به همین دلیل در برخی از روایات، آرایش کردن برای زنان ضرورت تلقی شده است (رجبی، ۱۳۸۶) در روایتی از امام صادق (ع) می فرماید: برای زن سزاوار نیست خود را از زینت و آرایش خالی کند، حتی یک گردنبند باشد؛ و سزاوار نیست دستش از رنگ حنا خالی باشد، حتی اگر پیر باشد (العالمی، ۱۴۰۹ق) و امام باقر در روایتی می فرماید: زنان همواره از زینت استفاده کنند. (کلینی، ۱۳۶۷ش) اهمیت به زینت کردن و آرایش زنان به حدی است که پوشش بعضی از لباسها مثل ابریشم و طلا به علت خاصیت زیبایی شان مخصوص زنان شده است. (العالمی، ۱۴۰۹)

## اهداف تحقیق

### هدف اصلی

- بررسی علل گرایش به بدحجابی بانوان و تاثیر آن بر امنیت اجتماعی در سطح شهرستان بندر عباس.

### اهداف فرعی

- بررسی استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی جدید (ماهواره، اینترنت و...) و تاثیر آن بر حجاب و عفاف
- بررسی و شناخت وضعیت خانوادگی و تاثیر آن بر گسترش فرهنگ حجاب و عفاف
- بررسی خصوصیات دوستان و همسالان و تاثیر آن بر بدحجابی
- بررسی وضعیت و شرایط جوی و تاثیر آن بر حجاب
- بررسی ضعف اعتقادات دینی و تاثیر آن بر بدحجابی
- بررسی تاثیر وضعیت پوشاک و مدگرایی بر بدحجاب
- بررسی سبک زندگی و تاثیر آن بر بدحجابی

### مبانی نظری

چارچوب نظری این تحقیق ملهم از سه نظریه عمده جامعه شناسی کجروی ؛ نظریه آنومی (بی هنجاری) دورکیم، کنترل اجتماعی هیرشی و همنشینی افتراقی ساترلند می باشد. نظریاتی که محقق در این تحقیق نیز سعی نموده است با لحاظ نمودن آنها به عنوان پایه و مبنای تئوریک تحقیق و تهیه یک مدل نظری بر اساس این نظریات اقدام به تحقیق در خصوص موضوع پژوهش نماید. هر چند نظریات متعدد دیگری هم در این راستا مد نظر قرار گرفته لذا با توجه به این مسئله که فرضیات تحقیق حاضر بر اساس این نظریات پایه ریزی شده است، در این قسمت به تشریح بیشتر این نظریات پرداخته ایم.

### نظریه آنومی دورکیم :

این واژه از یونان باستان سرچشمه گرفته و به معنای فقدان قانون است و از نظر دورکیم آنومی به وضعیتی در یک جامعه اطلاق می شود که در آن هنجار های اجتماعی نفوذ خود را بر خود از دست بدهند . در چنین شرایطی افراد دیگر برای اقتدار

اخلاقی جامعه احترام قائل نیستند و تاثیر آن بر آنها ناچیز است ( گیدنز، ۵۷۱:۱۳۷۹) حال بپردازیم به شرایط آنومیک جامعه ایران، در شرایطی که در جامعه فعلی ایران ما شاهد جابجایی و تغییر ارزش ها از سنتی و مذهبی به سمت ارزش های مادی و مدرن هستیم. مفاهیمی همچون رقابت، نفع شخص، تجملات و مادیگری، مدگرایی و... به قاعده جاری جامعه ایران تبدیل شده اند و در چنین شرایط آنومیکی انحراف اجتماعی افزایش یافته و جوانان بیشترین افرادی هستند که در معرض این انحرافات (از جمله بدحجابی یا بد پوششی) قرار می گیرند (رفیع پور، ۱۳۷۷:۲۲۴)

تئوری کنترل اجتماعی هیرشی :

جامعه شناسان تعاریف زیر را از «کنترل اجتماعی» دارند به مکا نیسم هایی اطلاق می شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می برد به مجموع عوامل محسوس و نامحسوسی که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کجروی اجتماعی در راه آنان قرار می دهد، گفته می شود مجموعه ای از منابع مادی و نمادینی که در اختیار جامعه قرار دارد و برای حصول اطمینان از همنوایی رفتاری اعضای با اصول و مقرراتی از پیش تعیین شده و مورد تایید، از آن استفاده می کند ( Felson, ۱۹۹۷). در نقطه آغاز، آنها به جای سوال از اینکه چه چیزی مردم را به سوی جرم می کشاند، این سوال را مطرح می کنند که چرا بسیاری از مردم مرتکب جرم نمی شوند؟ بنابراین نظریه همه افراد بشری دارای یک نقص ذاتی هستند که موجب می شود نتوانند در برابر وسوسه های ارتکاب جرم مقاومت کنند. این ایده در واقع مبتنی بر انسان شناسی ها بزی است. به همین دلیل این نظریه ها بر روی عوامل بازدارنده یا کنترلی که در درون افراد مجرم از بین رفته و ذایل شده است تمرکز می کنند. مهمترین و معروفترین نظریه پرداز کنترل، تراویس هیرشی است. اولین نظریه کنترل توسط وی مطرح شد که او تخلف را نتیجه کنترل شخصی و اجتماعی می دانست. نظریه مدرن و جدیدتر کنترل توسط ماتزا مطرح شد. او معتقد است خیلی از تخطی کنندگان از قانون، دارای یک سن جرم هستند و پس از آن به سبک زندگی قانون مدار باز می گردند. ماتزا علت پیوستن مقطعی این افراد به جرم را خنثی سازی و نه انکار استانداردهای جامعه می داند. هیرشی، رکلز، فرایدی و هیگ بعنوان پیشگامان نظریه کنترل اجتماعی باتکیه بر نظریات دورکیم بخصوص با الهام از تئوری آنومی وی به ابداع و بسط این تئوری پرداخته اند. این تئوری بر این فرض استوار است که کجروی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است که در اثر کنترل و نظارت اجتماعی بوجود می آید. «هیرشی» معتقد است اجزا تعلق و وابستگی به جامعه شامل موارد ذیل می باشد: ۱- ارتباط با سایر افراد. ۲- پذیرش

ومشارکت در نقش ها و فعالیت های اجتماعی که ارزش و نتایجی برای آینده دارد. ۳- اعتقاد به ارزش های اخلاقی، هنجارهای فرهنگی وامثال آن. وی می گوید کیفیت هر کدام از موارد سه گانه فوق الذکر در هر مورد خاص می تواند موجب همنوایی و نیز علت ناهمنوایی و کجروی باشد. مثلاً اگر کسی پیوندهای مختصری با افرادی که طرفدار همنوایی و رفتارهای قانونی و قابل قبول هستند، داشته باشد، احتمال کجروی در مورد وی افزایش می یابد(صدیق، ۱۳۷۱ : ۹۸). بنابراین نظارت اجتماعی می تواند یکی از عوامل و منابع مهم اجتماعی شدن و همنوایی با جامعه باشد. هرگاه فردی نتواند رفتار پذیرفتی و شایسته یک موقعیت را از خود نشان دهد ما او را شخص منحرف می شنا سیم. اگر این گونه انحرافات خارج از نظارت معیارهای اجتماعی ادامه یابد، جامعه با تهدید از هم گسیختگی روبرو می شود. با کاربرد ابزارهای نظارت اجتماعی، جامعه می تواند بزهکاران را زندانی کند و یا به دلیل ابتلای آنها به بیماری روانی و یا اعتیاد، در بیمارستان های روانی و ترک اعتیاد بستری سازد. گذشته از این نظارت های رسمی، نظارت های غیر رسمی دیگری چون طرد گروه... نیز می تواند بعنوان روش های مؤثر نظارت های اجتماعی بکار آیند(همان: ۱۴۵). هیرشی معتقد است که وابستگی به جامعه دارای چهار عنصر اصلی است: ۱- علاقه: کسانی که به دیگران توجه یا علاقه دارند به رفاه و احساسات آنان حساس بوده و مایلند با مسئولیت عمل کنند. بالعکس، کسانی که چنین علاقه ای ندارند، نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر اندازند و لذا بیشتر احتمال دارد که دزدی کنند یا مواد مخدر استعمال نمایند. ۲- تعهد: احساس بدهکاری یا دینی که مردم نسبت به جامعه دارند و هر چه سرمایه گذاری افراد در تحصیلات، سوابق شغلی، خانه و سایر دارایی های خود بیشتر باشد دلیل بیشتری دارند که همنوا با جامعه باشند تا که بتوانند دستاوردهای خود را حفظ نمایند. لذا ؛ خطر ارتکاب جرم کمتر می شود. ۳- مشغولیت: که مشارکت دا ئم در فعالیت های غیر انحرافی است. کسانی که بیکار هستند فرصت بیشتری برای انحراف دارند. ۴: ایمان- عقیده: وفاداری فرد به ارزشها و اصول اخلاقی جامعه باعث دور شدن از مشارکت در امور انحرافی می شود. کسانی که وفاداری ضعیفی به اعتقادات اخلاقی جامعه دارند ممکن است بیشتر تمایل داشته باشند که ارزش های آن را نادیده گرفته و از هنجارهای اجتماعی انحراف ورزند. گروهی که اعضایش بستگی متقابل قوی داشته باشند بهتر قادر به اعمال کنترل اجتماعی روی اعضایش می باشد تا گروهی که اعضای آن همبستگی محکمی با هم نداشته باشند(همان: ۹۹-۹۸). از دیدگاه تئوری هیرشی، اعتیاد مانند دیگر اشکال بزهکاری معلول کاهش و فقدان نظارت و کنترل اجتماعی است. به زعم او زمانیکه کنترل اجتماعی تضعیف می گردد، یکپارچگی اجتماعی متقابلاً دستخوش زوال و نقصان گردیده که این خود به کاهش اقتدار ناشی از یکپارچگی منجر شده و بالاخره در اثر آن توانایی پیشگیری موثر از بزهکاری نقصان یافته و احتمال بروز کجرفتاری

افزایش می یابد(همان: ۱۰۰-۹۸). والترکلس معتقد است که عضویت در گروه و روابط متقابل اجتماعی تعیین کننده نوع رفتار فرد در شرایط خاص زندگی است. تکیه و تأکید او بیشتر بر روی عناصری از زندگی گروهی است که فرد را از کشیده شدن بسوی انحراف و کجروی باز می دارد. از این دیدگاه کجروی را ناشی از عدم توانایی و کارکرد سیستم فشاری که تأمین کننده رفتار بهنجار در بعضی از افراد خاص و بدلیل منزلت های اجتماعی آنان می داند(همان: ۹۸). هیرشی ( ۱۹۶۹ ) در آزمون نظریه کنترل اجتماعی دریافت که افزایش تقید جوانان به والدین و گذران بیشتر اوقات فراغت فرزندان با خانواده گرایش جوانان به بزهکاری را کاهش می دهد. ((گسیختگی خانوادگی<sup>۱</sup>)) یکی از عوامل مهم در تولید رفتار بزهکارانه است، زیرا هنگامی که فرزندان والدین خود را در اثر طلاق از دست می دهند ، همچنین مراقبت ، سرپرستی و کنترل و راهنمایی های آنان را نیز از دست خواهند داد گسیختگی خانوادگی فرایند جامعه پذیری فرزندان را با مشکل مواجه خواهد ساخت ( احمدی، ۱۳۸۴ : ۳۲)

نظریه معاشرت افتراقی(ساترلند):

گروه همسالان نقش مهمی در جامعه پذیری جوانان دارند.یکی از متداول ترین تبیین ها برای بزهکاری جوانان که نظریه پردازان، نظریه های خرده فرهنگی کوهن<sup>۲</sup>( ۱۹۵۵ ) و ماتزا<sup>۳</sup>( ۱۹۶۴ ) بر آن تاکید کرده اند کاربرد مستقیم الگوهای بزهکاری است که در گروه همسالان به جوانان منتقل می شود. که ارضای نیازهای اساسی جوانان برای پذیرفته شدن، دوستی و احترام جوانان دیگر از طریق مشارکت با گروه های غیر بزهکار، رسمی و قرار دادی دشوار باشد. در چنین شرایطی که فرد از طریق خانواده و مدرسه نیز حمایت نمی شود ارضای نیازها به شیوه های بزهکارانه با مشارکت افرادی که شبیه خود می باشند به آسانی قابل وصول است ( احمدی، ۱۳۸۴ : ۱۳۹ - ۱۴۰). مرتن<sup>۴</sup>(۱۹۵۷) بر این باور است که برخی از جوانان قشر های محروم جامعه با تشکیل گروه های همسال به رفتار بزهکارانه مشغول می شوند زیرا بعضی از نیاز های آنان به ویژه نیازهای عاطفی، تنها در برون از خانواده و مدرسه می تواند ارضاء شود. جوانان قشرهای محروم نوعاً در طغیان علیه خانواده و مدرسه گروه های همسال بزهکار را شکل می دهند. کلیفورد شاو<sup>۵</sup> و هنری مک کی<sup>۵</sup>(۱۹۲۳) با بررسی توزیع میزان بزهکاری در شهرهای امریکا که بیشتر مبتنی بر مطالعات متعدد بر روی شهر شیکاگو بود دریافتند که مهم ترین عامل انتقال

---

<sup>۱</sup> - Family socio – economic status

<sup>۲</sup> - KooHew

<sup>۳</sup> - Matzu

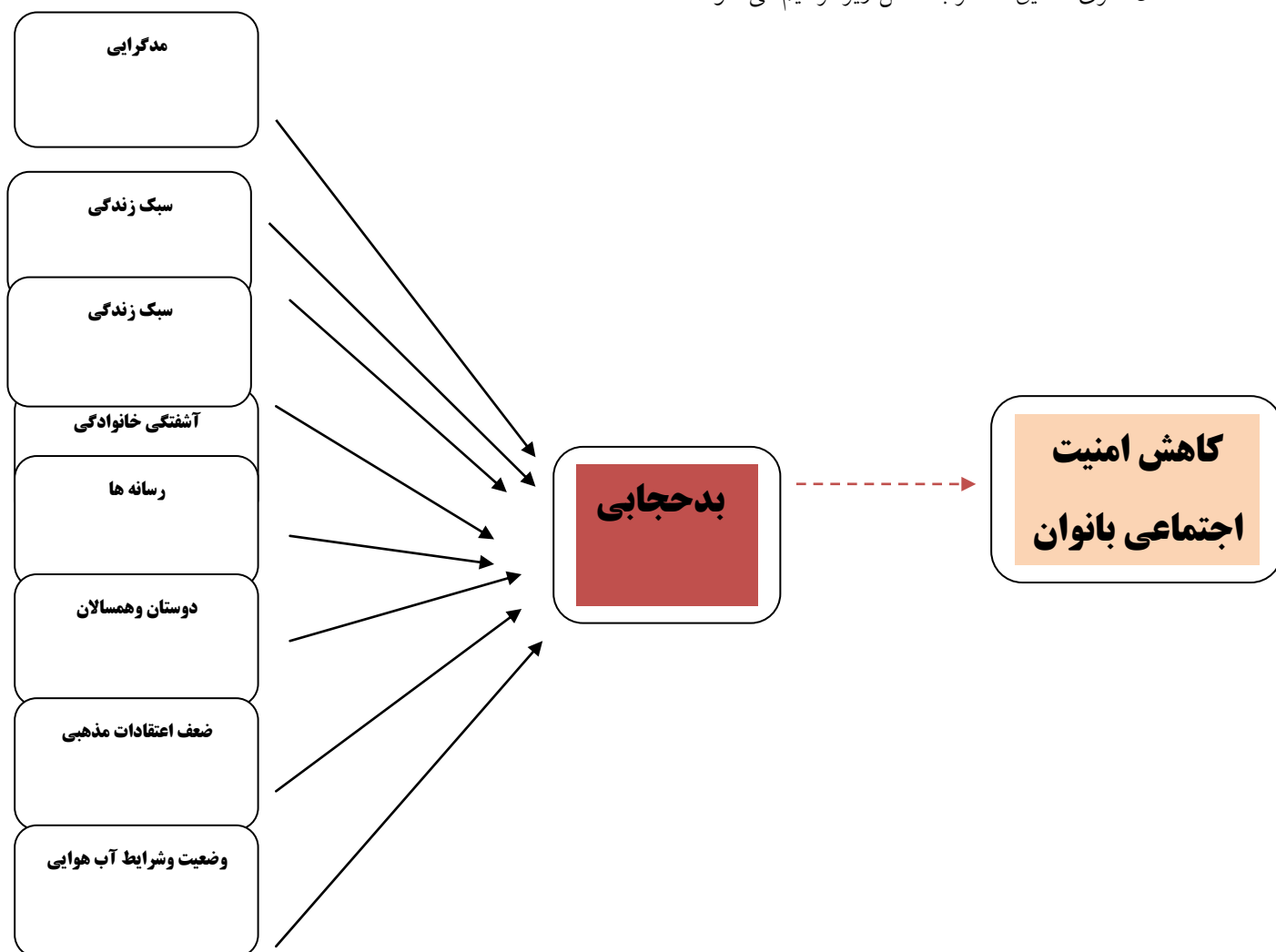
<sup>۴</sup> - Show

<sup>۵</sup> - Mckay



بزهکاری توسط گروه‌های همبازی و همالان است که فنون، معلومات و سنت های بزهکاری را به اعضاء منتقل می‌سازند ساترلند(۱۹۶۶) تحت تاثیر نظریات شاو و مک کی معتقد است که: رفتار انحرافی مانند سایر رفتار های اجتماعی از طریق هم نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می شود (ساترلند، ۱۹۶۶ : ۱۷۰). فرد بزهکار در طول حیات خود از طریق پیوستگی با دیگران انگیزه ها و گرایش و ارزش های انحرافی را فرا می‌گیرد، به نسبت هم نشینی و ارتباطی که با قانون شکنان دارند کجرو می‌شوند و عوامل چندی این تاثیر پذیری را تعیین می‌نمایند از جمله؛ تماس های زیادی با دوستان منحرف، برقراری تماس در سن نوجوانی و جوانی، تعداد زمان های تماس، ساترلند همچنین؛ رفتار بزهکارانه را ناشی از تماس با اشخاص در اثر فرایند یاد گیری می‌داند که مخصوصاً از روابط شخصی در داخل یک گروه محدود نظیر: خانواده، مدرسه، کوچه و محله تعلیم گرفته می شود ( کی نیا، ۱۴۲۰ : ۶۳). به نظر وی رفتار انحرافی روان شناختی وارثی نیست بلکه مردم در مصاحبت و معاشرت با همنویان در طول یک جریان جامعه پذیری، طغیان و تخطی از هنجارها را آموخته و بسوی رفتار انحرافی کشانده خواهند شد. گروه همسالان گروهی است که اعضای آن عمدتاً سن مشابه داشته و اغلب از یک جنس می باشند و با یکدیگر یک جرگه اجتماعی را تشکیل داده و فرد با عضویت در آن در کنش متقابل با دیگر اعضای گروه قرار گرفته و با ایفای نقش خود در گروه از حمایت گروهی برخوردار می شود گروههای همسال نقش مهمی در جامعه پذیری جوانان دارند. گروه همسالان نیزعامل تأثیرگذاری برنگرش افراد به پوشش است. درنظام روابط اجتماعی قواعد و استانداردهایی برای رله کردن این روابط اجتماعی تولید می شود که برای اکثریت مورد قبول است، انسان ها برای مصاحبت و رابطه با یکدیگر به یک زبان مشترک و آداب مشترک، قوانین مشترک، لباس مشترک و... احتیاج دارند. عدم توجه یکی از اعضای گروه به این قواعد و هنجارها ویا سرپیچی از آنها مورد انتقاد و سرزنش افراد گروه قرار می گیرد و لذا از آنجایی که افراد نیاز به روابط اجتماعی دارند، پس باید با رعایت هنجارهای گروهی درجهت جلب اعتماد افراد گروه برآیند. چنانچه درگروهی یکی از معیارها و ارزشهای مطلوب آن رعایت حجاب باشد و فردی حضورداشته باشد که با این معیارها و ارزشهای مطلوب آشنا نبوده ویا به آنها اهمیّت ندهد به ناچارمورد سرزنش و توبیخ آن گروه واقع می شود و سرانجام به طرد او می انجامد. «ریزن» معتقد است که گروه‌های هم‌سن در روند جامعه‌پذیری به تدریج جای خانواده و دیگر عوامل اقتدار را می‌گیرند. وی معتقد است در جوامع توسعه یافته، افراد به طور روزافزونی به سوی گروه‌های هم‌سن تمایل پیدا می‌کنند و برای الگوی رفتارهای دینی و اجتماعی خود، به جای این که بر افراد مسن‌تر و مقتدرتر اجتماعی تکیه کنند، به گروه‌های هم‌سن خود متمایل می‌شوند

مدل نظری تحقیق حاضر به شکل زیر ترسیم می شود:



فرضیه ها.

- به نظر می رسد بین نقش رسانه ها (داخلی و خارجی) و گرایش به بدحجابی و تاثیر آن بر کاهش امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد
- به نظر می رسد بین ضعف در باورها و اعتقادات دینی و گرایش به بدحجابی و تاثیر آن بر کاهش امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین وضعیت پوشاک، مدگرایی و گرایش به بدحجابی و تاثیر آن بر کاهش امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین نقش گروه همسالان و گرایش به بدحجابی و تاثیر آن بر کاهش امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین وضعیت و شرایط آب هوایی و گرایش به بدحجابی و تاثیر آن بر کاهش امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین آشفتگی خانوادگی و گرایش به بدحجابی و تاثیر آن بر کاهش امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی و گرایش به بدحجابی و تاثیر آن بر کاهش امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

#### روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر معیار، گستره در سطح میانه و از نظر زمانی مقطعی و با توجه به هدف آن از نوع کاربردی و روش آن غیر آزمایشی مستقیم و از نوع پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات بصورت پرسشنامه محقق ساخته بوده.

#### روش نمونه گیری

جامعه آماری در این تحقیق کلیه بانوان ۱۸ تا ۴۵ ساله شهر بندر عباس را تشکیل می دهند. حجم نمونه در این تحقیق برابر محاسبه از طریق فرمول کوکران تعداد حدود ۲۷۴ نفر در نظر گرفته شده است و در روش نمونه گیری نیز از نوع خوشه ای چند مرحله ای استفاده گردیده است

#### یافته های پژوهش

در توصیف و تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش با استفاده از روش های آمار توصیفی فراوانی ساده و درصد یافته ها محاسبه شده برای آزمون فرضیه های تحقیق متناسب با سطح سنجش متغیرها از آزمون همبستگی اسپیرمن وضرب تعین استفاده شده است.

#### نتایج توصیفی

\* ۶۰ درصد افراد بدحجاب گرایش شدید به پوشیدن البسه کوتاه و چسبان دارند

\* ۶۵ درصد افراد بدحجاب الگوی پوششی خود را از ماهواره و اینترنت می گیرند

\* ۷۵ درصد افراد بدحجاب خانواده را به عنوان الگو نمی پذیرند.

\* ۸۰ درصد افراد بدحجاب کمتر پوشش اساتید یا شخصیت های فرهنگی، مذهبی را الگو قرار می دهند.

\* ۵۵ درصد افراد بدحجاب کمتر از لباس های محلی و سنتی استفاده می کنند

\* ۷۵ درصد افراد بدحجاب گرانی لباس های محلی را یکی از عوامل عدم استفاده از این البسه می دانند.

\* ۸۰ درصد افراد بدحجاب ارزان بودن البسه وارداتی را یکی از عوامل گرایش جهت استفاده از اینگونه لباس ها می دانند.

\* ۷۲ درصد افراد بدحجاب عدم ارائه الگوی پوششی مناسب و به روز از سوی مسئولین را یکی از عوامل گرایش به اینگونه لباس ها را می دانند.

\* ۸۵ درصد افراد بدحجاب عدم ارائه البسه و پوشاک با طراحی مناسب و ارزان قیمت را یکی از عوامل گرایش به البسه ارزان قیمت وارداتی می دانند

. آزمون فرضیه ها و تجزیه و تحلیل داده ها

جدول ۱: آماره های آزمون همبستگی اسپیرمن مربوط به رابطه بین آشفته گی خانواده در بدحجاب شدن زنان و کاهش امنیت اجتماعی

کاهش امنیت اجتماعی				متغیر آزمون
نوع رابطه	وجود رابطه	$r^2$	اسپیرمن	
			ضریب همبستگی	آشفته گی خانواده
			معنی داری	
معکوس	دارد	۰/۱۲	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۳

نرمال بودن توزیع داده ها، با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف انجام شده است. چون مقدار  $p$  محاسبه شده برای عمل به آشفته گی خانوادگی برابر (۰/۰۰۳) از سطح معنی داری  $\alpha = ۰/۰۵$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های آشفته گی خانواده نرمال نیست. و  $p$  مقدار محاسبه شده برای امنیت اجتماعی برابر (۰/۰۳۶) از سطح معنی

داری  $\alpha = 0/05$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های کاهش امنیت اجتماعی نرمال نیست، باتوجه به اینکه داده های متغیرها نرمال نیستند، پس جهت آزمون فرضیه از آزمون همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن استفاده می شود.

تجزیه و تحلیل داده ها، از طریق آزمون اسپیرمن نشان می دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر آشفستگی خانواده در بدحجاب شدن زنان به کاهش امنیت اجتماعی آنها برابر  $0/353 - p$  مقدار (معنی داری)  $0/000$  می باشد، که کوچکتر از سطح معنی داری  $\alpha = 0/05$  است، لذا در این سطح فرض  $H_0$  یعنی عدم وجود رابطه رد می شود و در نتیجه بین آشفستگی خانواده در بدحجاب شدن زنان به کاهش امنیت اجتماعی آنها رابطه معنی داری وجود دارد. در ضمن منفی بودن ضرایب همبستگی و شیب خط برازش شده نشان از رابطه معکوس بین این دو متغیر است، یعنی هر چقدر آشفستگی خانواده کمتر بدحجابی در بین زنان کاهش و منجر به افزایش امنیت اجتماعی می شود. این مطلب با توجه به نحوه پراکندگی نقاط و همچنین ضریب تعیین بین دو متغیر برابر  $0/12$  ( $r^2 = 0/12$ ) است یا به عبارتی ۱۲ درصد تغییرات بین دو متغیر مشترک است (۱۲ درصد تغییرات امنیت اجتماعی به وسیله آشفستگی خانواده آنها توجیه می شود).  
جدول ۲: آماره های آزمون همبستگی اسپیرمن مربوط به رابطه بین وضعیت آب هوایی در بدحجاب شدن زنان و کاهش و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی		متغیر	
اسپیرمن		آزمون	
نوع رابطه	وجود رابطه	$r^2$	ضریب همبستگی
معکوس	دارد	۰/۰۹	۰/۰۰۰
			۰/۳۰۶ -

نرمال بودن توزیع داده ها، با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف انجام شده است. چون  $p$ - مقدار محاسبه شده برای وضعیت آب و هوا برابر  $(0/000)$  از سطح معنی داری  $\alpha = 0/05$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های عمل به وضعیت آب هوایی نیست. و  $p$ - مقدار محاسبه شده برای کاهش امنیت اجتماعی برابر  $(0/036)$  از سطح معنی داری  $\alpha = 0/05$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های کاهش امنیت اجتماعی نرمال نیست، باتوجه به اینکه داده های متغیرها نرمال نیستند، پس جهت آزمون فرضیه از آزمون همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن استفاده می شود.

تجزیه و تحلیل داده ها، از طریق آزمون اسپیرمن نشان می دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر بین وضعیت آب هوایی در بدحجاب شدن زنان و کاهش امنیت اجتماعی آنها برابر  $0/306 - p$  مقدار (معنی داری)  $0/000$  می باشد، که کوچکتر از سطح معنی داری  $\alpha = 0/05$  است، لذا در این سطح فرض  $H_0$  یعنی عدم وجود رابطه رد می شود و در نتیجه بین وضعیت آب هوایی در بدحجاب شدن زنان و کاهش امنیت اجتماعی آنها رابطه معنی داری وجود دارد. در ضمن منفی بودن ضرایب همبستگی و شیب خط برازش شده نشان از رابطه معکوس بین این دو متغیر است، یعنی هر چقدر وضعیت آب هوایی بهتر باشد و زنان از پوشش های مناسبتر استفاده نموده و منجر به افزایش امنیت اجتماعی می شود. این مطلب با توجه به نحوه پراکندگی نقاط و همچنین ضریب تعیین بین دو متغیر برابر  $0/09$  ( $r^2 = 0/09$ ) است یا به عبارتی ۹ درصد تغییرات بین دو متغیر مشترک است (۹ درصد تغییرات امنیت اجتماعی به وسیله وضعیت آب هوایی آنها توجیه می شود).

جدول ۳: آماره های آزمون همبستگی اسپیرمن مربوط به رابطه بین سبک زندگی در بدحجاب شدن زنان و کاهش امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی					متغیر
نوع رابطه	وجود رابطه	$r^2$	اسپیرمن		آزمون
			معنی داری	ضریب همبستگی	سبک زندگی
معکوس	دارد	۰/۱۱	۰/۰۰۰	-۰/۳۲۹	

نرمال بودن توزیع داده ها، با آزمون کولموگروف - اسپیرنوف انجام شده است. چون  $p$ - مقدار محاسبه شده برای سبک زندگی برابر (۰/۰۰۰) از سطح معنی داری  $\alpha = ۰/۰۵$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های سبک زندگی نرمال نیست. و  $p$ - مقدار محاسبه شده برای امنیت اجتماعی برابر (۰/۰۳۶) از سطح معنی داری  $\alpha = ۰/۰۵$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های امنیت اجتماعی نرمال نیست، باتوجه به اینکه داده های متغیرها نرمال نیستند، پس جهت آزمون فرضیه از آزمون همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن استفاده می شود. تجزیه و تحلیل داده ها، از طریق آزمون اسپیرمن نشان می دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر بین سبک زندگی در بدحجاب شدن زنان و امنیت اجتماعی آنها برابر  $-۰/۳۲۹$  (با  $p$ - مقدار (معنی داری)  $۰/۰۰۰$  می باشد، که کوچکتر از سطح معنی داری  $\alpha = ۰/۰۵$  است، لذا در این سطح فرض  $H_0$  یعنی عدم وجود رابطه رد می شود و در نتیجه بین سبک زندگی در بدحجاب شدن زنان و کاهش امنیت اجتماعی آنها رابطه معنی داری وجود دارد. در ضمن منفی بودن ضرایب همبستگی و شیب خط برازش شده نشان از رابطه معکوس بین این دو متغیر است، یعنی تغییر در سبک زندگی و توجه نکردن به مؤلفه های سبک زندگی اسلامی منجر به گرایش فرد به بدحجابی خواهد شد. نهایتاً کاهش امنیت اجتماعی را در پی خواهد داشت. این مطلب با توجه به نحوه پراکندگی نقاط و همچنین ضریب تعیین بین دو متغیر برابر  $۰/۱۱$  ( $r^2 = ۰/۱۱$ ) است یا به عبارتی ۱۱ درصد تغییرات بین دو متغیر مشترک است (۱۱ درصد تغییرات امنیت اجتماعی به وسیله سبک زندگی آنها توجیه می شود).

جدول ۴: آماره های آزمون همبستگی اسپیرمن مربوط به رابطه بین ضعف اعتقادات مذهبی در بدحجاب شدن زنان و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی					متغیر
نوع رابطه	وجود رابطه	$r^2$	اسپیرمن		آزمون
			معنی داری	ضریب همبستگی	بین ضعف اعتقادات مذهبی
معکوس	دارد	۰/۰۷۷	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۸	

نرمال بودن توزیع داده ها، با آزمون کولموگروف - اسپیرنوف انجام شده است. چون  $p$ - مقدار محاسبه شده برای ضعف اعتقادات مذهبی برابر (۰/۰۲) از سطح معنی داری  $\alpha = ۰/۰۵$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های عمل به مستحبات نرمال نیست. و  $p$ - مقدار محاسبه شده برای امنیت اجتماعی برابر (۰/۰۳۶) از سطح

معنی داری  $\alpha = 0/05$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های امنیت اجتماعی نرمال نیست، باتوجه به اینکه داده های متغیرها نرمال نیستند، پس جهت آزمون فرضیه از آزمون همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن استفاده می شود.

تجزیه و تحلیل داده ها، از طریق آزمون اسپیرمن نشان می دهد که ضریب همبستگی ضعف کنترل اجتماعی در بدحجاب شدن زنان و کاهش امنیت اجتماعی آنها برابر  $0/278 - p$  مقدار (معنی داری)  $0/000$  می باشد، که کوچکتر از سطح معنی داری  $\alpha = 0/05$  است، لذا در این سطح فرض  $H_0$  یعنی عدم وجود رابطه رد می شود و در نتیجه بین اعتقادات مذهبی و امنیت اجتماعی آنها رابطه معنی داری وجود دارد. در ضمن منفی بودن ضرایب همبستگی و شیب خط برازش شده نشان از رابطه معکوس بین این دو متغیر است، یعنی هر چقدر ضعف اعتقادات مذهبی بیشتر شود، منجر به گرایش فرد به بدحجابی خواهد شد. نهایتاً کاهش امنیت اجتماعی را در پی خواهد داشت. و همچنین ضریب تعیین بین دو متغیر برابر  $0/077$  ( $R^2 = 0/077$ ) است یا به عبارتی  $7/7$  درصد تغییرات بین دو متغیر مشترک است ( $7/7$  درصد تغییرات امنیت اجتماعی دانشجویان به وسیله اعتقادات مذهبی آنها توجیه می شود)

جدول ۵: آماره های آزمون همبستگی اسپیرمن مربوط رابطه بین نقش رسانه ها در بدحجاب شدن زنان و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی			متغیر	
نوع رابطه	وجود رابطه	$r^2$	آزمون	
			ضریب همبستگی	معنی داری
معکوس	دارد	0/17	-0/41	0/000

نرمال بودن توزیع داده ها، با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف انجام شده است. چون  $p$  - مقدار محاسبه شده برای نقش رسانه ها برابر  $(0/000)$  از سطح معنی داری  $\alpha = 0/05$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های دوری از مکروهات نرمال نیست. و  $p$  - مقدار محاسبه شده برای امنیت اجتماعی برابر  $(0/036)$  از سطح معنی داری  $\alpha = 0/05$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های امنیت اجتماعی نرمال نیست، باتوجه به اینکه داده های متغیرها نرمال نیستند، پس جهت آزمون فرضیه از آزمون همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن استفاده می شود.

تجزیه و تحلیل داده ها، از طریق آزمون اسپیرمن نشان می دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر دوری از نقش رسانه ها و امنیت اجتماعی آنها برابر  $0/41 - p$  مقدار (معنی داری)  $0/000$  می باشد، که کوچکتر از سطح معنی داری  $\alpha = 0/05$  است، لذا در این سطح فرض  $H_0$  یعنی عدم وجود رابطه رد می شود و در نتیجه بین نقش رسانه ها و امنیت اجتماعی آنها رابطه معنی داری وجود دارد. در ضمن منفی بودن ضرایب همبستگی و شیب خط برازش شده نشان از رابطه معکوس بین این دو متغیر است، یعنی هر چقدر نقش رسانه ها در پرداختن به بدحجابی بیشتر شود، منجر به کاهش امنیت اجتماعی می شود. همچنین ضریب تعیین بین دو متغیر برابر  $0/17$  ( $R^2 = 0/17$ ) است یا به عبارتی  $17$  درصد تغییرات بین دو متغیر مشترک است ( $17$  درصد تغییرات امنیت اجتماعی دانشجویان به وسیله دوری از مکروهات آنها توجیه می شود)

جدول ۶: آماره های آزمون همبستگی اسپیرمن مربوط به رابطه بین گروه همسالان در بدحجاب شدن زنان و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی			متغیر	
نوع رابطه	وجود رابطه	$r^2$	آزمون	
			اسپیرمن	

گروه همسالان	ضریب همبستگی	معنی داری		
	-۰/۲۵۳	۰/۰۰۰	۰/۰۶	دارد
				معکوس

نرمال بودن توزیع داده ها، با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف انجام شده است. چون  $p$ - مقدار محاسبه شده برای گروه همسالان برابر (۰/۰۴۶) از سطح معنی داری  $\alpha = ۰/۰۵$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های گروه همسالان نرمال نیست. و  $p$ - مقدار محاسبه شده برای امنیت اجتماعی برابر (۰/۰۳۶) از سطح معنی داری  $\alpha = ۰/۰۵$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های امنیت اجتماعی نرمال نیست، با توجه به اینکه داده های متغیرها نرمال نیستند، پس جهت آزمون فرضیه از آزمون همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن استفاده می شود.

تجزیه و تحلیل داده ها، از طریق آزمون اسپیرمن نشان می دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر بین گروه همسالان در بدحجاب شدن زنان و امنیت اجتماعی آنها برابر  $-۰/۲۵۳$  (مقدار  $p$ - مقدار (معنی داری)  $۰/۰۰۰$  می باشد، که کوچکتر از سطح معنی داری  $\alpha = ۰/۰۵$  است، لذا در این سطح فرض  $H_0$  یعنی عدم وجود رابطه رد می شود و در نتیجه بین گروه همسالان در بدحجاب شدن زنان و امنیت اجتماعی آنها رابطه معنی داری وجود دارد. در ضمن منفی بودن ضرایب همبستگی و شیب خط برازش شده نشان از رابطه معکوس بین این دو متغیر است، یعنی هر چقدر فرد تمایل به گروه های همسال منحرف بیشتر شود، منجر به کاهش امنیت اجتماعی آنها خواهد شد. همچنین ضریب تعیین بین دو متغیر برابر  $۰/۰۶$  ( $r^2 = ۰/۰۶$ ) است یا به عبارتی ۶ درصد تغییرات بین دو متغیر مشترک است (۶ درصد تغییرات امنیت اجتماعی به وسیله گروه همسالان آنها توجیه می شود).

جدول ۷: آماره های آزمون همبستگی اسپیرمن مربوط به رابطه بین در مدگرایی در بدحجاب شدن زنان و امنیت اجتماعی

متغیر	امنیت اجتماعی			
	اسپیرمن	$r^2$	وجود رابطه	نوع رابطه
آزمون				
مدگرایی	ضریب همبستگی	معنی داری		
	-۰/۳۵۹	۰/۰۰۰	۰/۱۳	دارد
				معکوس

نرمال بودن توزیع داده ها، با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف انجام شده است. چون  $p$ - مقدار محاسبه شده برای در نظر مدگرایی برابر (۰/۰۰۰) از سطح معنی داری  $\alpha = ۰/۰۵$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های مدگرایی نرمال نیست. و  $p$ - مقدار محاسبه شده برای امنیت اجتماعی برابر (۰/۰۳۶) از سطح معنی داری  $\alpha = ۰/۰۵$  کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد نمی شود پس توزیع داده های امنیت اجتماعی نرمال نیست، با توجه به اینکه داده های متغیرها نرمال نیستند، پس جهت آزمون فرضیه از آزمون همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن استفاده می شود.



تجزیه و تحلیل داده ها، از طریق آزمون اسپیرمن نشان می دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر در نظر گرفتن مذهب در تصمیم گیریهای اساسی زندگی دانشجویان و امنیت اجتماعی آنها برابر  $0/359 - p$  مقدار (معنی داری)  $0/000$  می باشد، که کوچکتر از سطح معنی داری  $0/05 = \alpha$  است، لذا در این سطح فرض  $H_0$  یعنی عدم وجود رابطه رد می شود و در نتیجه بین مدگرایی در بدحجاب شدن زنان و امنیت اجتماعی آنها رابطه معنی داری وجود دارد. در ضمن منفی بودن ضرایب همبستگی و شیب خط پردازش شده نشان از رابطه معکوس بین این دو متغیر است، یعنی هر چه قدر توجه زنان به بحث مدگرایی بیشتر شود. منجر به گرایش فرد به بدحجابی خواهد شد. نهایتاً کاهش امنیت اجتماعی را در پی خواهد داشت. همچنین ضریب تعین بین دو متغیر برابر  $0/13$  ( $r^2 = 0/13$ ) است یا به عبارتی ۱۳ درصد تغییرات بین دو متغیر مشترک است (۱۳ درصد تغییرات امنیت اجتماعی زنان به وسیله مدگرایی آنها توجیه می شود)

### نتیجه گیری

با توجه به نتایج بدست آمده ملاحظه شد که هر یک از ابعاد آسیب پذیری با حجاب رابطه دارد به بیان دیگر ضعف اعتقاد به حجاب در ابتلاء به انواع آسیب پذیری ها موثر است. ضعف اعتقاد به پوشش مربوط به غرب گرایی و شکاف بین نسلی است. البته یک رابطه دو سویه نیز در اینجا وجود دارد اینکه ضعف اعتقاد مذهبی و سایر آسیب های فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی باعث ایجاد تزلزل در حجاب می گردد و همین طور ضعف در حجاب می تواند موجب افزایش این آسیب ها گردد. نتایج این تحقیق نشان می دهد با کاهش میزان نظارت والدین اعتقاد به حجاب کاهش می یابد. متأسفانه امروزه شیوه آزاد گذارنده جزء سبک تربیتی اکثر خانواده ها گردیده، نظارت و کنترل زمانی به بالاترین درجه تأثیر گذاری خود می رسد که روابط خانوادگی از کمیت و کیفیت مطلوبی برخوردار باشد. بحث رسانه ها، ارتباطات و فناوری جهانی شدن حاصل عصر انفجار اطلاعات و فرایند مدرنیته است. این پدیده اگرچه پیامد های بسیار مفیدی از جمله توسعه تکنولوژی، رفاه و... دارداما فرصت مناسبی را برای غرب ایجاد کرده که از این پدیده به عنوان پروژه جهانی سازی، آسیب ها و بحران های فرهنگی و اجتماعی بهره برداری کند. کاربرد این فناوری ها در بین زنان مورد مطالعه بیشتر کسب اطلاعات در خصوص مد های لباس، آرایش و... می باشد با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش گرایش به مد و مد گرایی با عدم تمایل به حجاب دارای رابطه است. و علت این است که محتوی بسیاری از برنامه های ماهواره ای فارسی زبان مد و مد گرایی است. از سوی دیگر با اطلاع رسانی و آگاهی دادن به شهروندان و بخصوص قشر خانم ها می توان آنها را از بازده خطرناکی که توجه بیش از حد به مد و مد گرایی (بدن) می تواند برای خودشان و در مرحله بعد برای جامعه آسیب های متعدد اجتماعی و بهداشتی داشته باشد دور کرد. البته باید تلاش نمود تا مفاهیم و عباراتی مانند زیبایی، موزون بودن و... آنها را که اکنون با لاغری و شبیه آن ارتباط داده شده اند، جدا کرده دوباره آنها را با مفاهیم و عباراتی مانند وقار و پوشش و... پیوند داد. از جمله یافته های دیگر این تحقیق رابطه بین انواع سبک های زندگی با گرایش به بدحجابی است. کسانی که بیشتر به مناسک مذهبی و موسیقی سنتی تمایل دارند علاقه بیشتری هم به پوشیدگی از خود نشان می دهند چرا که موسیقی سنتی دارای محتوای عرفانی و اسلامی است حال آنکه سبک های دیگر (موسیقی مدرن، اوقات فراغت) یا سبک های مشارکتی بیشتر برای اندیشه های غیر مذهبی، غیر سنتی و نهایتاً سکولار است که بر گرایش به حجاب تأثیر منفی خواهند گذاشت. به نظر میرسد که اگر بخواهیم فرهنگ عفاف و حجاب را گسترش دهیم و گرایش به بدحجابی را کاهش، لازم است کار فرهنگی مستمر صورت پذیرد و از فرهنگ ملی مذهبی موجود بهره برد و بصورت ماهرانه ای در جامعه آن را توسعه دهیم چرا که عرفان اسلامی در این راستا می تواند کار گشا باشد البته نباید از

آگاه سازی خانواده ها نسبت به مد و مدگرایی و آسیب های موجود در آن غفلت کرد چرا که می تواند ذائقه جوانان را تغییر داده و آنان را به سمت سوی دیگری هدایت کند و همه موارد فوق هر کدام به نسبتی با گرایش بانوان به بدحجاب رابطه داشته و بدحجابی نیز در کاهش امنیت اجتماعی تاثیر گذار می باشند.

#### پیشنهادات

حل مسئله حجاب به عنوان مسئله اجتماعی و پدیده ای فرهنگی مستلزم راهکارهای اجتماعی در دو سطح خرد و کلان به طور همزمان می باشد که به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره می شود:

- ✓ مهندسی فرهنگی و اصلاح به موقع ساختار ارزشی و روابط اجتماعی جامعه بر محوریت معرفت دینی و باورهای مذهبی
- ✓ اتخاذ راهبرد توسعه درونزا، متوازن و متعادل و همه جانبه مبتنی بر عدالت، آزادی و معنویت
- ✓ کاهش ازهم گسیختگی درون بخشی و میان بخشی و حل تعارض های اجتماعی
- ✓ تحقیر ابتدال در پوشش، به شیوه های مختلف فرهنگی و تبلیغی به جای تکیه صرف بر وضع قوانین و برخوردهای رسمی
- ✓ ابلاغ روش های اجرایی و تعیین ضوابط و هنجارهای روشن در مورد نوع لباس و پوشش افراد، در بخش های رسمی و اداری کشور
- ✓ تقویت حساسیت عمومی و جهت دهی توده ها در مسیر مخالفت اصولی با ناهنجاری ها و برداشتن بخشی از مسئولیت ها از عهده نهادهای رسمی توسط حوزه های علمیه و رسانه های جمعی از جمله نشریات
- ✓ اصالت بخشی به فرهنگ عفاف از طریق محصولات متنوع فرهنگی و هنری مناسب توسط اداره فرهنگ و ارشاد و صدا و سیما استان
- ✓ آگاه سازی خانواده ها نسبت به تأثیرات منفی استفاده از وسایل ارتباطی جدید مانند ماهواره، اینترنت و غیره

#### فهرست منابع

- ۱- ایوبی، حجت اله (۱۳۸۶) نگذاریم مسائل اجتماعی، امنیتی شود، روزنامه شرق، شماره ۸۸۳
- ۲- رمضان، نرگس، رضا (۱۳۸۳) تجاوز و بزه دیدگی زنان، کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۶، شماره ۲۳، بهار ۸۳
- ۳- زهانی، سید احمد (۱۳۸۶) نگاهی به فرهنگ ارزش ها، چاپ اول، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران
- ۴- زواریان، زهرا (۱۳۷۷) رایحه نجابت، چاپ پانزدهم، انتشارات مدرسه، تهران
- ۵- عامری، حمیده (۱۳۸۶) پاراگراف ۱۴، مراجعه در ۷ دسامبر ۲۰۱۴، [mнарjes.org/banoo/woman](http://mнарjes.org/banoo/woman)
- ۶- محمدنیا، اسداله (۱۳۸۰) آنچه باید یک زن بداند، چاپ ششم، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان، ورامین

- ۷- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵) مسئله حجاب، چاپ چهل و سوم، انتشارات صدرا، تهران
- ۸- احمدی، خدابخش (۱۳۸۹) رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی، نشریه علوم رفتاری، سال چهارم، شماره دوم
- ۹- چاووشی، اکبر (۱۳۸۶) حجاب برتر: مقایسه دیدگاه کارکنان و مراجعه کنندگان زن به مراکز درمانی، نشریه علوم رفتاری، سال اول، شماره دوم
- ۱۰- حبیبی، مهدی (۱۳۸۹) بررسی دیدگاه جوانان و میانسالان راجع به حجاب برتر، نشریه علوم رفتاری، سال چهارم، شماره یک
- ۱۱- خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۵) بررسی رابطه مؤلفه های جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان، مطالعه موردی تهران، شیراز و اصفهان
- ۱۲- کاستلند، مانوئل (۱۳۸۴) ... اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ... جامعه شبکه ای، جلد اول، ترجمه احد علینقیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو
- ۱۳- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز
- ۱۴- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی
- ۱۵- خواجه نوری، بیژن و مقدسی (۱۳۸۴) جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان، بررسی موردی در دو شهر شیراز و اصفهان
- ۱۶- واتسون، هلن (۱۳۸۲) زنان و حجاب، مترجم مرتضی بحرانی، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۰
- ۱۷- اسفندیاری، محمد (۱۳۸۵) سوء تبلیغ و تبلیغ سوء، ماهنامه خردنامه همشهری، شماره ۷
- ۱۸- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۶) فرهنگ برهنگی و برهنگی فرنگی، چاپ هفدهم، تهران، سروش
- ۱۹- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸) آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش
- ۲۰- افروغ، عماد (۱۳۸۱) جامعه شناسی انحرافات در حکومت دینی، فصلنامه کتاب زنان، سال ۵
- ۲۱- صدیق سروستانی، رحمت اله (۱۳۸۶) همه متهمیم، روزنامه همشهری
- ۲۲- علوی، حمیدرضا و رضیه حجتی (۱۳۸۶) عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان، تربیت اسلامی، سال دوم، شماره چهارم

- ۲۳- روشه، گی: «کنش اجتماعی»، ترجمه هما زنجانی زاده، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۶۸
- ۲۴- بهروزی، مریم، (۱۳۸۷) حجاب هاله ای از عفاف، تهران: چاپ گلبرگ، نوبت ششم
- ۲۵- احمدی، حبیب (۱۳۸۴) جامعه شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول
- ۲۶- سخاوت، جعفر (۱۳۶۸) آسیب شناسی اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی (جزوه درسی)
- ۲۷- اشرف، احمد (۱۳۵۵) کوز رفتاری مسائل انسانی و آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آموزشگاه عالی

منابع خارجی:

۱. Armfield, G & R, Holbert (۲۰۰۳). The relationship between reliyiosity and internet.
۲. Cohen, L.E, & Felson, m (۱۹۷۹). Social chanye and crime R rate trend.
۳. Dale, R. ( ۱۹۹۹ ). Specifiny ylobalization effects on national policy.
۴. Hodfar, boma ( ۲۰۰۱ ), the veilin their nad on our beads.
۵. Lamont, m. & Viray Molnar ( ۲۰۰۱ ). How Blacks use consumption to shape their collective identity.
۶. Lonyman, Lavren (۲۰۰۳). Culture , identity and Heye mony.
۷. Massey , Doreen ۹ ۱۹۹۴ ). Space, place and gender gambridyw polity.
۸. Mirza, jan ( ۲۰۰۹ ). Globalization of media: key issues and dimentions
۹. Mittlman, J.H. ( ۲۰۰۰ ). Globalization: Captors and Gaptive.
۱۰. Ritzer, Georye ( ۲۰۱۰ ). Globalization: A basic text, sinyapore, wiley Black well.
۱۱. Gerbner, Georg,( ۱۹۹۱) “Analysis of Communication Content”,
۱۲. Comstock. J: (۱۹۸۷) “A defense of the family farm”, New York, ۱۹۸۷.
۱۳. Reisman, D:( ۱۹۵۰) “The lorely Crowd”, New Have: Yale University,